

پنجشنبه ۰۳ اگست ۲۰۱۷

ناتور رحمانی



ز شهر ما که صدای به آسمان نرسید!
 مگر به پیکر خونین کس زیان نرسید؟
 صدای شیون زنجیر برده گان ستم
 ز تنگنای حوادث به پاسبان نرسید
 وطن جزیره متروک بی صدا گشته
 تو کوئی کارد به حلقوم زنده جان نرسید
 حکایتیست ز بیداد شبروان طریق
 کسی ز ترس به معبود آنچنان نرسید
 تنور گرم تباہی شرر زند هستی
 در حیرتم که چرا جرقه بر جهان نرسید
 ببین اسارت شعر را عزیز بزم سخن
 ز پشت میله به پا بوس رهروان نرسید
 کجاست (کاوه) و (ارش) بمن بگو (ناتور)
 چرا صدای ستوران آنکسان نرسید؟

